

موضوع ۶

مرور کلی موضوع

از مردم هم فرهنگ خود بخواهید یک «مبشر» را توصیف کنند. به این ترتیب شما عموماً درس خوبی در مورد ذهنیت کلیشه‌ای فرا خواهید گرفت. توصیفات آنها ممکن است دربردارنده کلماتی از قبیل «زبان‌باز» یا «تحمیلگر» باشد. بسیاری از افراد کلیسا رو نیز بشارت را شهادت به سبکی تهاجمی و تحمیلی می‌دانند، بی‌آنکه بدانند که سبکهای صحیح متنوعی نیز برای آن وجود دارد. در واقع، خداوند هر کدام از ما را با سبک بشارتی مخصوصی خلق کرده که هنگام گفتگو از مسیح با دیگران با استفاده از آن موثرتر و موفق‌تر خواهیم بود.

در این مطلب ما:

- سبکهای مختلف بشارت را کشف می‌کنیم.
- سبک(های) بشارتی را که از سایرین برای هر کدام از ما مناسب‌تر است شناسایی می‌کنیم.
- سعی می‌کنیم حداکثر راههای ممکن برای استفاده از سبک بشارتی خاص خود جهت بشارت موثرتر ایمانمان به دیگران را بیابیم.

هفتم موضوع

آیا همه مسیحیان باید از طریقی واحد ایمان خود را با دیگران در میان گذارند؟ آیا ممکن است راههایی مختلف متناسب با عطایای منحصر به فرد، شخصیت و خلقت هر فرد وجود داشته باشد؟ آیا باید تمام افراد یک کلیسا را تشویق به همکاری در پروژه بشارتی واحدی نمود، یا کلیسا باید از روشهای چندگانه در میان گذاشتن ایمان متناسب با سبک خدادادی افراد بهره گیرد؟ چگونه می‌توانید انجیل را به روشی متناسب با شخصیت خود بشارت دهید؟

کوپک ولی مقوی

(بیاناتی هستند که شما را در رابطه با مطلب به فکر وا خواهند داشت. این بیانات ممکن است در چارچوب تفکر کتابمقدس بگنجد و یا نگنجد.)

«برای من شرکت در برنامه‌های بشارتی که در آنها مجبورم افراد غریبه را با انجیل رودررو سازم راحت نیست. خیلی بیشتر ترجیح می‌دهم برای بیمارستانها هدیه برده و محبت خدا را به مردم نشان دهم. آیا این هم بشارت است؟»

«کسانی که از سبکهای مختلف بشارت دم می‌زنند در واقع از انجام وظایفی سر باز می‌زنند که بنظر آنها کمی ناخوشایند می‌آید.»

«این بنظر من کاملاً منطقی است که افراد باید تنها به طریقی که با شخصیت منحصر به فرد آنها متناسب است در مورد مسیح با دیگران گفتگو کنند.»

«من فکر می‌کنم ما باید از هر گونه روش بشارتی که برای مخاطبمان مناسب است بهره گیریم، نه فقط روشی که خود با آن راحت هستیم.»

نمونه جهت مطالعه

کامران

در سه ماه گذشته کامران مشتاق در میان گذاشتن ایمانش با دیگران شده است. او با تمام وجود می‌خواهد زندگی‌اش برای ابدیت بکار گرفته شده و ببیند که مردم به مسیح ایمان می‌آورند. با اینحال، هفته گذشته او با تیم کلیسا در برنامه بشارت خانه به خانه شرکت کرده و متوجه شد که از هر دقیقه آن بیزار است. او همچنین بعد از شنیدن اینکه تیم دو یا سه بیمار را بسوی مسیح هدایت کردند، خدمت در بیمارستان را بررسی نمود. اما در محیط بیمارستان احساس ناراحتی می‌کند، و مطمئن نیست که میدانند به بیماران چه باید گفت. با ناامیدی مشکل و سردرگمی خود را با شما در

میان گذارده و می پرسد آیا خداوند از او انتظار خدمتی غیر از بشارت را دارد. شما برای کامران چه جوابی دارید؟

پدرام

پدرام، یک فروشنده موفق، عضو تیم کوچکی است که بشارت خانه به خانه انجام داده و گاهی در خیابانها موعظه می کند. او معتقد است که مهم این است که پیام انجیل را به مردم رسانده و مابقی کار را به خداوند واگذارید. دوست او، سعید دوره‌ای آموزشی در مورد بشارت می گذراند که تعلیم می دهد چطور می توان به منظور رساندن پیام انجیل به مردم با آنها رابطه محبت آمیز بنا نمود. پدرام با این روش موافق نبوده و می گوید این روش صرفاً مناسب کسانی است که از جفا در راه موعظه انجیل واهمه دارند. سعید سر در گم شده و از شما می پرسد کدام روش در میان گذاشتن ایمان با تعالیم کتاب مقدس منطبق است.

پاسخ شما چیست؟

سؤال اساسی در بحث پیش روی ما کدام است؟

دیگر منابع

در این موضوع خاص شما را تشویق می کنیم ابتدا مقاله را خوانده و سپس متون کتاب مقدس ارائه شده را مطالعه نمایید.

«سبک بشارت خود را کشف کنید»، نوشته مارک میتلبرگ.

مقاله ای از مجله شاگردسازی، چاپ ۱۹۹۵

از مجله «شاگردسازی»، چاپ ۹۵ به قلم مارک میتلبرگ

تمام شد، من دور بشارت شخصی خط قرمز کشیده و آماده بودم وقت و توان خود را در جای دیگر سرمایه‌گذاری کنم. این بدان معنا نبود که دیگر به بشارت اعتقاد نداشتم. می‌دانستم مهم، مطابق با کتاب مقدس و تنها راهی است که اغلب مردم مسیح را می‌یابند. واضح بود که هر کس ملزم به انجام آن است. اما نه من. دیگر نه.

من برای سفری به منظور کمک به کلیسا در زمینه بشارت در طول تابستان ثبت نام کرده بودم. کلیسای فوق‌العاده‌ای بود و افرادی که با آنها خدمت می‌کردم نظیر نداشتند. اما طریق اولیه‌ای که برای انتشار پیام امتحان شد روش در زدن و حرف زدن سریع قبل از آنکه در بسته شود بود.

وقتی تابستان به پایان رسید و به خانه برگشتم، از آنکه در برنامه شرکت کرده بودم، خدا را شکر می‌کردم ولی از اینکه تمام شده بود خوشحال بودم. به این نتیجه رسیدم که بشارت کار افرادی است با شخصیت و روحیات خاص، و من قطعاً یکی از آنها نبودم.

بر خلاف انتظار، یک سال بعد کلیسای ویلو کریک در بارینگتون جنوبی در ایالت الینویز مرا به عنوان مدیر بخش بشارت خود استخدام کرد. امروز، نه سال بعد از آن تاریخ، آرزوی همسرم هدایت افراد بسوی مسیح و کمک به دیگران به برای انجام این امر است.

در آن یک سال چه اتفاقی افتاد؟ چه چیزی را کشف کردم که سبب چنان تغییر بنیادینی در مسیر زندگیم شد؟ خیلی کوتاه، یاد گرفتم که چطور پیام عیسی مسیح را بطور مؤثری منتشر کنم، بدون آنکه مجبور شوم قالب خاصی را بپذیرم. متوجه شدم می‌توانم مسیحی واگیردارتری شده و در عین حال خودم بمانم.

سوء تفاهات تهدیدکننده

من معتقدم که یکی از بزرگترین موانع برای مشارکت مسیحیان در بشارت فردی درک نادرست آنها از الزامات آن است. بسیاری از ما از کلمه «بشارت» وحشت‌زده شده و به آن بدید عملی غیرعادی نگاه می‌کنیم.

خوب، و اما خبر خوشی که هم آزاد کننده است و هم نیروبخش: خدا هنگامی که شما را خلق می‌کرد می‌دانست چه می‌کند. او شما را با ترکیب بی‌همتایی از شخصیت، روحیات، استعدادها و

پیشینه طراحی کرده و می‌خواهد به طریقی سازگار با این طراحی از شما جهت صید دیگران بهره گیرد.

نمود این در زندگی شما به چه صورتی است؟ برای جواب، اجازه دهید ببینیم خداوند در عهد جدید چگونه شش نفر را برای انتشار محبت و حقیقت خود بکار گرفت. در فرآیند، شش روش بشارتی مبتنی بر کتاب مقدس را کشف خواهیم کرد. در حالی که من تک تک آنها را شرح می‌دهم، ببینید کدامیک احتمالاً برای شما مناسب است.

روش مقابله‌جویانه پطرس

پطرس دارای شخصیت «آماده، هدف، شلیک» بود. دست به هر کاری می‌زد، آنرا بدور از دودلی و با قاطعیت کامل انجام می‌داد. وقتی که عیسی مسیح در متی ۱۶: ۱۵ از شاگردان می‌پرسد فکر می‌کنند او کیست، پطرس تلویحاً حرف نزده بلکه قاطعانه اعلان می‌کند که عیسی همان مسیح است. و در چند آیه بعد از آن، در جایی که با ماموریت بیان شده توسط عیسی موافق نیست، در این مورد بحث می‌کند. تلاش برای تصحیح کردن پسر خدا! می‌توانید تصور کنید؟ اگر شما خود شخصیت مقابله‌جو داشته باشید، شاید بتوانید!

وقتی پطرس در قایق بوده و خواست در کنار عیسی باشد، در انجام آنچه برای نزدیک شدن به عیسی لازم بود تردید نکرد، حتی اگر آن به معنای شنا کردن در دریا یا راه رفتن بر روی آب می‌بود. بیاد می‌آورید زمانی را که دشمنان عیسی برای دستگیری او به باغ جتسیمانی آمدند؟ پطرس شمشیر بدست کاملاً به مقابله پرداخت!

هنگامی که پطرس به چیزی اعتقاد داشت، هیچ چیز جلودار او نمی‌شد. با صراحت، شجاعانه و بجای عمل می‌کرد.

آیا جای تعجب است که خداوند در روز پنطیکاست پطرس را به عنوان سخنگوی خود برگزید؟ خداوند می‌خواست مردم بفهمند که آنها به دلایل واهی مسیح را مصلوب کرده، و اکنون لازم است برای رحمت و بخشش او را بخوانند. شخصیت پطرس برای این منظور خاص طراحی شده بود. قوت‌یافته با روح‌القدس، ایستاد و مردم را با حقایق روبرو کرد. در نتیجه ۳۰۰۰ نفر به مسیح ایمان آورده، همان روز تعمید گرفتند.

آیا می‌دانید که در دنیای کنونی افرادی هستند که به مسیح ایمان نمی‌آورند مگر آنکه کسی مانند پطرس صورتشان را با آتش حقیقت گرم سازد؟ خود من یکی از آنها بودم.

می‌دانید، مدت‌های طولانی سرم با کلیسا گرم بوده و وانمود می‌کردم که مسیحی هستم. در تمام عمرم تعالیم کتاب مقدس را شنیده، زیر و بم پیام انجیل را می‌دانستم، و می‌توانستم آیات زیادی را

از متون مقدس نقل کنم. ولی نیاز داشتم به یک مبشر دارای سبک مقابله که بتواند احتیاجم به شروع زندگی بر اساس آنچه می‌دانستم حقیقت است، را رودررو به من بگوید. و روزی خداوند یک نفر را فرستاد. دوستی که از دبیرستان می‌شناختم اختلاف بین باورها و شیوه زندگی مرا به زیر سؤال کشید. قبل از آنکه از هم جدا شویم مستقیم در چشمانم نگریست و گفت که ریاکار هستم! آن برخورد مرا عصبانی کرد. اما در طول روزهای آتی آن خشم به تفکر و سپس توبه تبدیل شد. هفته بعد زندگی خود را به مسیح تسلیم کردم.

بعضی از افراد فقط منتظر یک مسیحی مقابله‌جو هستند (همانطور که من بودم) که حقیقت مسیح را به آنها نشان داده و آنها را برای واکنش در مقابل آن حقیقت به چالش بکشاند. آیا ممکن است آن مسیحی شما باشید؟

روش عقلانی پولس

گرچه پولس در موارد ضروری قطعاً قادر به مقابله بود، با این حال ویژگی خاص روش او ارائه منطقی پیام انجیل است. هر کدام از نامه‌های او را مایلید بخوانید (رومیان بهترین نمونه است)، خواهید دید که او استاد تفسیر شیوای حقیقت اساسی ایمان است.

این روش عقلانی شایسته پولس با تحصیلات بالاست، که برای مباحثه با تک تک حریفانی که ممکن است موقعیت او را زیر سؤال ببرند اشتیاقی وافر دارد.

آیا شما کسی بهتری را سراغ دارید که خدا بسوی فیلسوفان آتن بفرستد؟ در اعمال رسولان ۱۷، پولس مباحثه پر قدرتی را در مورد حقیقت ارائه داده، از بت آتنی تا خدایان ناشناخته شروع کرده و بحث را به سوی تنها خدای حقیقی و مسیح قیام کرده او می‌کشاند. روش پولس کارآمد بود و تعدادی از مستمعین ایمان آوردند.

این قشر متفکر در آتن نمی‌توانستند بخوبی با روش قاطعانه پطرس ارتباط برقرار کنند. آنها به منطقی نیاز داشتند که نتیجتاً نکته مورد نظر را اثبات کند.

آیا افرادی با این ویژگیها در محدوده شما وجود دارند؟ آنها طالب پاسخهای ساده یا پیش پا افتاده از قبیل: «شما فقط باید از طریق ایمان این را بپذیرید»، نیستند. آنها نیاز دارند حقایق محکمی که آن را ایمان تأیید می‌کنند، ببینند.

آیا روش عقلانی برای شما مناسب است؟ آیا شما جزء دسته کنکاشگر هستید که از سر و کار داشتن با ایده‌ها و شواهد لذت می‌برند. این روش حائز اهمیت است، بویژه امروز که مادیگرایی

رشدی فزاینده دارد. انسان‌های بسیاری نیازمند شنیدن انجیل به روشی هستند که نه فقط اعلام، بلکه تعریف و از آن دفاع شود.

در ضمن، سالها پیش دریافتم که این روش مورد علاقه من است. چند ماه پس از آنکه دور بشارت خط قرمز کشیدن، پیامی را از بیل های بل تحت عنوان «سبک یک مبشر» شنیدم. خداوند از آن بهره برد تا به من کمک کند بفهمم که مانند پولس، برای روش عقلانی انتخاب شده‌ام. این مرا یاری کرد تا علاقه خود به فلسفه و استدلال را درک کنم. به این ترتیب قفل دری که مرا از بشارت فعالانه باز می داشت گشوده شد.

روش شهادتی مرد کور

گرچه اطلاعات ما در مورد این مرد بسیار کمتر از اطلاعاتمان درباره پطرس و پولس است، اما از یک چیز اطمینان داریم: مرد کوری که توسط عیسی شفا یافت (یوحنا ۹) چیزی را دیده بود که ارزش داشت در موردش سخن بگوید!

او کور مادرزادی بود که اغلب از مردمی در حال گذر گدایی می‌کرد. روال عادی زندگی او با آمدن مسیح و عطای بینایی به او به سرعت تغییر کرد. قبل از آنکه این را دریابد، خود را در مقابل اجتماعی متخصصم یافت که از او می‌خواستند مآوقع را شرح دهد.

به گوناگونی سبکهای بشارت دقت کنید. وقتی پطرس در مقابل جماعتی مشابه ایستاد، آنها را با حقیقت رودررو کرده و با آنها گفت که از خداوند اطاعت خواهد کرد نه از مردم. پولس برای مستمعین خود از متون مقدس دلیل آورد تا نشان دهد که عیسی همان مسیحی است که مدت‌ها در انتظارش بودند. اما مرد کور هیچکدام از این دو روش را بر نگزید.

در عوض، او از تجربه خود سخن گفته و با اطمینان اعلام کرد: "یک چیز می‌دانم که کور بودم و الان بینا شده‌ام!" مشکل می‌توان با آن بحث کرد، اینطور نیست؟

دقت کنید که در آیه ۳ عیسی می‌گوید این مرد کور به دنیا آمد "تا اعمال خدا در وی ظاهر شود." این نمونه‌ای است از آنچه گفتم که، ما برای روشی خاص طراحی شده‌ایم. خداوند در طول تمام زندگی این مرد او را مهیا کرده بود تا از سرگذشت او برای هدایت مردم بسوی مسیح بهره گیرد.

افراد زیادی در اطراف شما وجود دارند که نیازمند شنیدن داستانی مشابه در مورد چگونگی عمل خدا در زندگی یک ایماندار هستند. ممکن است آنها واکنش چندانی مثبتی نسبت به چالش یا بحث نشان ندهند، اما سرگذشت شخصی ایمان آوردن یک نفر به شدت روی آنها تأثیر بگذارد. آیا ممکن است آن سرگذشت شما باشد؟

شهادت‌های موثر الزاماً هیجان‌انگیز نیستند. خود را به دلیل معمولی بودن داستان ایمان‌آوردنتان از این روش مستثنی نکنید. داستانهای معمولی به خوبی با افراد معمولی در همسایگی و محیط کار شما ارتباط برقرار می‌کنند.

روش فرد به فرد متی

باجگیران اصلاً بعنوان مبشر شناخته شده نبودند. با اینحال این دقیقاً اتفاقی است که برای متی افتاد. بعد از پذیرش دعوت مسیح برای اینکه یکی از پیروانش شود، متی تصمیم گرفت هر چه از دستش بر می‌آمد انجام دهد تا تعداد هر چه بیشتری از دوستانش را با خود همراه کند. در لوقا ۵: ۲۹ می‌بینیم که او مهمانی مفصلی برای رفقای باجگیر خود برگزار می‌کند، به این امید که آنها را با مسیح و زندگی نوینی که ارائه می‌داد آشنا سازد. او بر روابطی که با این مردان داشت تکیه کرده و بدنبال تحکیم بیشتر روابط دوستانه با آنهاست. وی آنها را به خانه خود دعوت می‌کند. با آنها وقت گذرانده و غذا می‌خورد. صادقانه به آنها توجه نشان داده و می‌خواهد اعتماد و احترامی را که در طول سالیان کسب کرده بکار گیرد تا آنها را تحت تاثیر قرار داده، سبب شود ادعاهای مسیح را مورد توجه قرار دهند.

سبک دوستانه بالاترین احتمال نفوذ در زندگی دیگران را برای ما فراهم می‌آورد. کسانی که روش بشارت فرد به فرد را دنبال می‌کنند در این زمینه متخصص هستند. آنها شخصیت‌هایی خونگرم، و دگران‌دیش بوده که از سطوح عمیق گفتگو و اعتماد نسبت به کسانی که با آنها ارتباط برقرار می‌کنند لذت می‌برند.

آیا شما از پذیرش دیگران در خانه خود، صرف غذا با آنان و وقت دادن به گفتگو لذت می‌برید؟ دسترسی به بسیاری از مردم غیرممکن است، مگر آنکه یک نفر برای بنای چنان ارتباطاتی با آنها وقت صرف نماید.

روش دعوتی زن سامری

برای زن سامری خیلی طول نکشید تا درک کند که مردی که با او گفتگو می‌کرد معلمی معمولی نبود. بینش نبوتی و جوابهای مقتدرانه وی، او را در مورد ادعای مسیح بودنش متقاعد ساخت.

سپس او چه کرد؟ بلافاصله به ده خود رفته و دوستانش را به کنار چاه آورد تا خود کلام عیسی را بشنوند. این دعوت ساده منجر به توقف دو روزه عیسی مسیح در روستای آنها شد. بسیاری از این مردان و زنان پیروان او گشتند.

اینان مردمی هستند که اگر کسی آنها را مدبرانه به جلسات کلیسایی مناسب برای افراد جستجوگر یا رویدادهای بشارتی دعوت کند، در سفر روحانی خود گامهای بلندی بر می‌دارند. بسیاری از غیرمسیحیان از چنین روشی استقبال می‌کنند. برای مثال نظرسنجی که اخیراً توسط جورج بارنا انجام شده نشان داد، که حدود ۲۵ درصد بزرگسالان در ایالات متحده، اگر دوستی از آنها دعوت کند به کلیسا خواهند رفت. به این مسئله فکر کنید، از هر چهار دوست شما یکی تمایل دارد به شما ملحق شود!

برخی از افراد، مانند زن کنار چاه، در همراه کردن مردم با خود برای رفتن به جاهای مختلف مهارت دارند. آیا ممکن است شما یکی از آنها باشید؟ آیا متوجه شده‌اید که هنگامی که رویدادی بشارتی در جریان است مردم دور ماشین کوچک تبلیغاتی شما تجمع می‌کنند؟ شاید زمان آن فرارسیده باشد که ماشین بزرگتری بخرید تا فعالیتهای بشارتی خود را به حداکثر برسانید!

روش خدمتی دورکاس

کتاب مقدس در اعمال رسولان ۹: ۳۶ می‌فرماید دورکاس «از اعمال صالحه و صدقاتی که می‌کرد، پر بود.» او به سبب کارهای محبت‌آمیز خدمتی که به نام مسیح انجام می‌داد شناخته شده بود. بویژه، او برای بیوه‌زنان و سایر مردم مفلوک روستای خود جامه و پیراهن می‌دوخت.

در عمل، او بدور از جار و جنجال از طریق روش خدمت بطور تمام وقت خود را وقف بشارت کرده بود. برای مردم بسیار بعید بود که فعالیت او را مشاهده کرده و توجه‌شان به محبت مسیح که الهام‌بخش او بود جلب نشود. بواقع، کارش چنان مهم بود که وقتی او به مرگی ناگهانی درگذشت، خداوند پطرس را فرستاد تا او را از مرگ برخیزانده و به خدمت بازگرداند!

مردمی که این روش را انتخاب می‌کنند برای خدمت فروتنانه به دیگران دارای انگیزه هستند. آنها نیازهایی را می‌بینند که از دید دیگران پنهان هستند، و رفع آن احتیاجات را لذت‌بخش می‌یابند، حتی اگر در مقابل از آنها تقدیر نشود. این گروه که اغلب افراد آرامی هستند، از ابراز محبت از طریق کمکهای مادی لذت می‌برند.

گرچه این روش برای بار آوردن نتایج روحانی غالباً وقت گیرتر است، با اینحال یکی از پر اهمیت‌ترین طرق بشارتی می‌باشد. یکی از زنان کلیسای ما بنام جینجر تلاش می‌کرد مسیح را به برادرش بشناساند. اما او با ایده‌های عصر نوین سرگرم بوده، علاقه‌ای به مسیحیت نداشت. او هر

کاری را که بطور طبیعی مطابق با شخصیتش پیش می‌آمد به انجام می‌رساند. جینجر برادرش را با ادعاهای مسیح رودرو کرد. با اینحال گشایشی حاصل نمی‌شد. وقتی که وی برای پیوستن به فرقه مذهبی عصر نوین به ایالت دیگری نقل مکان کرد بنظر می‌رسید که امیدها کاملاً از دست رفته است.

اما خداوند نقشه دیگری داشت. پس از آنکه برادر جینجر به منزل جدیدش نقل مکان کرد، خیلی زود با مردمی که در خانه کناری زندگی می‌کردند ملاقات کرد. معلوم شد که آنها همسایه‌های فوق‌العاده‌ای بوده، مرتباً در کارهای مختلف به او کمک می‌کردند، مثلاً او را یاری دادند در خانه جا افتاده، موقع تعمیر وسایل آستین بالا زده و وقتی که یکی از اعضاء خانواده وی بیمار می‌شد برایش غذا می‌آوردند. در واقع خدمات‌های معمولی که محبت آنها به مسیح را نمودار می‌کرد.

اعمال و گفتار این چنینی همسایگان، خشت پس خشت، دیوار بین این مرد و خداوند را فروریخت. پس از گذشت یک سال، او زندگی خود را به مسیح تسلیم کرده، خانواده‌اش را به موطن برگردانده و اولین عشاء ربانی خود را با جینجر در یکی از جلسات پرستشی جشن گرفت! متوجه هستید چرا باید برای این روش جشن گرفت؟ اینگونه همسایه‌ها احتمالاً هرگز معروف نخواهند شد، اما خداوند از تلاش‌های آنان بهره می‌برد تا آسمان را ماوای کسانی سازد که امثال ما احتمالاً هرگز به سراغشان نمی‌رویم.

شاید احساس کنید که مسیحی چندان واگیرداری نیستید. ممکن است آخر سر تمام هنر شما در درست کردن سوپ یا تعمیر ماشین خلاصه شود. اما خداوند قادر است از همین‌ها (و توانایی‌های مشابه دیگر) استفاده کند تا مردم را بسوی خود بکشانند.

فودتان باشید

هیچکس بطور کامل صرفاً در یکی از این قالب‌ها جا نمی‌گیرد. احتمالاً هر ایماندار مخلوطی از چند مورد از این مهارتها را دارد. ممکن است شما روش شماره هفت یا هشت را مناسب خود بیابید. این روشها برای محدود کردن شما ارائه نشده‌اند بلکه تا شما را نسبت به ارزش گوناگونی در تیم خداوند تشویق نماید. شما می‌توانید خودتان باشید.

پس به روش خود عمل کنید. روشهای مختلف را امتحان کنید. اجازه دهید خداوند شما را بسوی ابراز طبیعی ایمانتان به دیگران رهبری کند. با ایمانداران دیگری که روششان مکمل روش شماست تیم تشکیل دهید. در روابط خود ریسک کرده و اجازه دهید خداوند از طریق شما عمل کند. در جریان فرآیند، از ماجراجویی مهیج بشارت شخصی لذت برده و در زندگی کسانی که برایتان عزیزند تغییری ابدی بوجود خواهید آورد.

شکل بفتشی به پاسخ

۱- بخش «شما دارای سبک هستید! فهرست بشارت» در صفحات بعد را کامل کنید. در کدام دو سبک بالاترین امتیاز را کسب کردید؟

۲- بعد از تکمیل این بخش، ببینید با استفاده از سبک (های) بشارت خود از چه راههایی می‌توانید ایمان خود را با دیگران درمیان بگذارید.

شما دارای سبک هستید! فهرست بشارت

هدف از این فهرست کمک به شما جهت یافتن سبک(های) بشارتی می‌باشد که عطایا و ویژگیهای شخصیتی شما را منعکس می‌کند. درک این نکته حائز اهمیت است که احتمال دارد شما بیش از یک سبک با امتیاز بالا داشته باشید. شناختن سبک بشارتی خاص خودتان، به شما کمک می‌کند تا به هنگام تلاش برای نزدیک شدن به دیگران مدبرانه و فارغ‌البال عمل کنید.

دستورالعمل‌ها:

- در این فهرست ۳۶ گفته وجود دارد. در جای خالی کنار هر گفته، امتیازی را ثبت کنید که بیشتر از همه مبین وضعیت شماست:
 - ۳: قطعاً این طور است
 - ۲: گاهی اوقات
 - ۱: بندرت
 - ۰: قطعاً خیر
- پس از اتمام، پاسخهای خود را در جدول خلاصه وارد کرده و جمع کلی هر ستون را بدست آورید. دور دو امتیاز بالاتر خود دایره بکشید.
 - ۱- هنگام گفتگو با مردم مایلیم بدون حاشیه رفتن به اصل مطلب پردازم.
 - ۲- برای من آسان‌تر است از ایمان خود دفاع کرده و در مورد باوره‌هایم قویاً بحث کنم.
 - ۳- من از تعریف کردن داستان مسیحی شدنم لذت می‌برم.
 - ۴- دانستن در مورد علائق و گذشته دیگران برایم لذت‌بخش است.

- ۵- از ایجاد ارتباط بین آشنایان جدید و کسانی که با آنها نکاتی مشترک دارند، لذت می‌برم
- ۶- برای من رفع احتیاج یک نفر به طریقی عملی خیلی رضایت‌بخش‌تر از بیان حرفهای تشویق‌آمیز است.
- ۷- در روابط خود با مردم دریافته‌ام که خیلی ساده‌تر است مستقیم، روراست یا حتی در صورت ضرورت بی‌پرده صحبت کنم.
- ۸- من از مطالعه و پاسخگویی به سؤالات مشکل در مورد مسیحیت لذت می‌برم.
- ۹- هنگام سخن گفتن در باره عیسی مسیح، برای تشریح مسائل ترجیح می‌دهم از تجربیات شخصی خود استفاده کنم.
- ۱۰- برای من ایجاد ارتباط و بنای روابط دوستانه با مردم آسان است.
- ۱۱- من ترجیح می‌دهم فرد را به یکی از رویدادها از قبیل کنسرت یا نمایش مسیحی که انجیل را معرفی می‌کند دعوت نمایم، تا اینکه مستقیماً از انجیل با وی صحبت کنم.
- ۱۲- من معمولاً سریعتر از دیگران متوجه نیاز مردم می‌شوم.
- ۱۳- هنگامی که بر سر حقیقت سازش می‌شود برای من مشکل نیست که با دوستانم مقابله کنم، حتی اگر خطر از دست دادن دوستی وجود داشته باشد.
- ۱۴- وقتی نوبت به کتابهایی می‌رسد که به دفاع از ایمان مربوط هستند، شاید مجبور شوید به زور مرا از کتاب‌فروشی بیرون بکشید
- ۱۵- وقتی مردم با من حرف می‌زنند، اغلب متوجه می‌شوم که دارم اینطور فکر کرده یا جواب می‌دهم: "من هم همین احساس را داشته‌ام" یا "من هم قبلاً اینطور بودم."
- ۱۶- من از بودن با مردم و صحبت کردن در مورد آنچه در زندگیشان می‌گذرد لذت می‌برم.
- ۱۷- من به وارد کردن افراد جدید در فعالیتهایی که خود در آنها درگیرم علاقمندم.
- ۱۸- هنگامی که بنظر می‌رسد مردم به مسائل روحانی نزدیک هستند، متوجه می‌شوم که ابراز دلسوزانه محبت مسیحی آنها را پذیراتر می‌سازد.
- ۱۹- افراد تحمیل‌گر و سلطه‌جو مرا مرعوب نمی‌کنند، و برای من ایستادن در مقابل آنها راحت است.
- ۲۰- هنگامی که شخصی مانع یا پرسشی دارد که وی را از ایمان آوردن به مسیح باز می‌دارد، دلم می‌خواهد در حل مسئله به او کمک کنم.
- ۲۱- بنظر می‌رسد مردم از شنیدن داستان سفر روحانی من بسوی مسیح لذت می‌برند.
- ۲۲- کسانی که مرا بخوبی می‌شناسند مرا فردی مردم‌دار توصیف می‌کنند که برایش ملاقات با دیگران آسان است.

- ۲۳ — دلم می‌خواهد بدنبال رویدادهای راهبردی بگردم تا مردم را بدانها دعوت کنم، به این امید از لحاظ روحانی از آنها تأثیر بپذیرند.
- ۲۴ — مردم آسیب‌دیده و نیازمند برای مراجعه به من احساس راحتی می‌کنند.
- ۲۵ — ترجیح می‌دهم حقیقت را به دیگری بگویم حتی اگر سبب آزردن وی شود.
- ۲۶ — هنگام بحث درباره اعتقاداتم به عنوان یک مسیحی احساس اعتماد بنفس می‌کنم.
- ۲۷ — بنظر می‌رسد هنگامی که با مردم در مورد اشتباهات و شکستهایم و درسهایی که از آنها آموختم گفتگو می‌کنم، آنان در وجود من خود را می‌بینند.
- ۲۸ — مردم عموماً مرا شخصی با توجه، حساس و صمیمی توصیف می‌کنند.
- ۲۹ — من از یافتن کتابها، ویدیوها و سایر منابعی که به مردم در جستجوی روحانی‌شان کمک می‌کند لذت می‌برم.
- ۳۰ — سازمانهای مسیحی از قبیل «مأوا برای بشریت» و «آشپزخانه به صرف سوپ» طرق مورد علاقه من برای نشان دادن محبت خدا هستند.
- ۳۱ — در همه وقت می‌توانم نسبت به احساسات یا نیازهای دیگران هنگام مواجهه با مشکلات حساس باشم.
- ۳۲ — بیشتر به تحلیل‌گری گرایش دارم.
- ۳۳ — راحتی می‌توانم با دیگران در مورد تجربیات شخصی و سفر ایمانم گفتگو کنم.
- ۳۴ — من ارزش بسیار بالایی برای دوستی، وفاداری و شناختن دیگران قائلم.
- ۳۵ — همراه آوردن مهمان به رویدادها یا جلسات کلیسایی به من احساس رضایت واقعی می‌دهد.
- ۳۶ — من بیشتر بر طرق عملی و کاربردی برای ایجاد ارتباط با مردم تکیه می‌کنم تا روشهای فلسفی و عقلانی.

در کنار هر پرسش امتیاز خود را وارد کنید. سپس حاصل جمع هر ستون را بدست آورده، دور دو جمع کل بالاتر دایره بکشید.

مقابله جو	عقلانی	شهادتی	فرد به فرد	دعوتی	خدمتی
— ۱ —	— ۲ —	— ۳ —	— ۴ —	— ۵ —	— ۶ —

— ۱۲	— ۱۱	— ۱۰	— ۹	— ۸	— ۷
— ۱۸	— ۱۷	— ۱۶	— ۱۵	— ۱۴	— ۱۳
— ۲۴	— ۲۳	— ۲۲	— ۲۱	— ۲۰	— ۱۹
— ۳۰	— ۲۹	— ۲۸	— ۲۷	— ۲۶	— ۲۵
— ۳۶	— ۳۵	— ۳۴	— ۳۳	— ۳۲	— ۳۱
—	—	—	—	—	— جمع کل

بند موضوع

۱- چرا موضوع سبکها یا طرق بشارت حائز اهمیت است؟

۲- شناختن سبک بشارت ما چه تاثیری بر طریق در میان گذاشتن ایمانمان با دیگران باید داشته باشد؟

۳- آیا باید تلاش کنیم فقط از طریق سبک بشارتی خود ایمانمان را با دیگران در میان گذاریم، یا بهتر است از روشی استفاده کنیم که برای فرد مخاطب ما مناسبتر است؟ برای مثال، اگر کسی را بشناسید که سؤالات فلسفی متعددی در مورد مسیحیت دارد آیا ایماندار دیگری را خواهید یافت که روش بشارت عقلانی دارد یا سبک خود را عوض خواهید کرد؟

۴- اگر فقط ایمان خود را از طریق سبک بشارتی خاص خود با دیگران در میان بگذاریم با چه خطراتی ممکن است مواجه شویم؟ چطور می توانیم وضعیت متعادلی را برقرار سازیم؟

۵- چطور می توانیم از یک سو قدر سبکهای متمایز خود را بدانیم، و در عین حال طرق متفاوت دیگران را به رسمیت شناخته و برایشان ارزش قائل شویم؟ چگونه می توانیم از قضاوت کردن در مورد دیگر ایمانداران مطابق با سبک مورد علاقه خود اجتناب کنیم؟

۶- وقتی را به گفتگو با گروه در مورد نتایج فهرست بشارت اختصاص دهید. آیا همه با نتایج آزمون موافق هستند؟

۷- همگی با هم در مورد راههای مبتکرانه‌ای که با استفاده از آنها افراد گروه شما بتوانند از روشهای بشارت ایمان بهتر بهره گیرند فکر کنید.

گامهایی به جهت اطاعت

۱- بحثی که روی این مطلب داشتیم، فکر اصلی و باور اولیه‌ای را که در مورد این مطلب داشتید، چگونه عوض کرده است؟ افکار خود را در زیر خلاصه کنید.

۲- چگونه می‌خواهید این مطلب را به کار بندید (کی، چه کسی، کجا، و غیره)؟

۳- خود را متعهد کنید: در رابطه با موضوع اهداف ایمان برقرار، و آن را با گروه و یا سرگروه خود در میان گذارید.

با کمک خدا، من:

